

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعم فراشی» تیرانا ۱۹۶۹

۲۷ فبروری ۲۰۱۴

۷

### نخستین سازمان های کارگری به رهبری کمونیست ها

کمونیست ها بر آن شدند که به فعالیتی هرچه ثمر بخش تر در میان توده ها دست بزنند و ادامه بحران اقتصادی شرایط مناسبی برای چنین فعالیتی به وجود می آورد. اعتصابات کارگری متوالیاً روی می داد. کارگران ساختمان همچنان در پیشاپیش جنبش اعتصابی قرار داشتند و طبیعی بود که گروه کمونیست کورچا قبل از همه به این نوع کارگران توجه کند. در سپتمبر ۱۹۳۳ به ابتکار وی جمعیت «یونا» (کار) در کورچا تشکیل شد. نه فقط کارگران بلکه استادان رشته های مختلف ساختمان که آنها نیز به وسیله کارفرمایان سرمایه دار استثمار می شدند در این جمعیت شرکت داشتند. جمعیت «یونا» به رهبری فراکسیون کمونیست عمل می کرد و صدر آن پیلوپریستری عضو کمیته گروه کورچا بود. چیزی نگذشت که جمعیت «یونا» تقریباً ۵۰۰ عضو در صفوف خویش گرد آورد و چون اعضای مذکور فصلی نبود سازمان آن ها بنیاد ثابتی پیدا کرد. جمعیت «یونا» برای مصون ماندن از پیگرد ژاندارمری، طبق اساسنامه اش که به تصویب دولت رسیده بود ظاهراً جمعیت کمک و امداد بود و هدف سیاسی نداشت. ولی برنامه حقیقی اش در طی جلسه ای نیمه مخفی که به وسیله کمونیست ها سازمان داده شد به تصویب رسید. به موجب این برنامه جمعیت «یونا» در واقع سازمانی انقلابی بود با هدف دفاع از حقوق کارگران و در عین حال مبارزه علیه رژیم زوغو به خاطر آزادی و دموکراسی.

این موفقیت نخستین، کمونیست های گروه کورچا را به بسط فعالیت ترغیب کرد. در طی سال ۱۹۳۱ به ابتکار کمونیست ها از روی نمونه جمعیت «یونا» سازمان های حرفه ای کارگران کفاش، خیاط، راننده و غیره تأسیس شد. همچنین گروه کمونیست کورچا نفوذ خویش را در میان دانش آموزان دبیرستان آن شهر که به داشتن احساسات میهن پرستانه معروف بودند گسترش داد تا حدی که از انقلابی ترین عناصر آنها یک حوزه کمونیستی تشکیل شد.

معدالک گروه کورچا از دائره آن شهر تجاوز نمی کرد و با سایر سازمان های کمونیستی یا اصلاً رابطه نداشت و یا رابطه ضعیفی داشت. در جلسه اگست ۱۹۳۴ تصمیم گرفته شد که فعالیت کمونیستی را بر سایر شهر های کشور گسترش دهند ولی هیچ پیشرفت قابل ذکری در این زمینه به دست نیامد.

بسط فعالیت انقلابی گروه کورچا با تشدید مبارزه ایدئولوژیک در درون صفوف وی همراه بود. عناصر ترسکیست با مشی که علی کلمندی و بخش سالم گروه در پیش داشتند به مخالفتی پر خشم و کین برخاستند و با تشبیه به کلیه وسائل کوشیدند که از توسعه نفوذ کمونیست ها در توده ها جلوگیری کنند.

مهمترین نماینده آنها به نام نیکو جوجی در صدد بود که رهبری گروه را در دست گیرد و آن را به قبول نظریات ترسکیستی خویش وا دارد. نیکو جوجی برای توجیه فعالیت خصمانه خویش به تبلیغ پدیده «تئوری کادرها» که از «آنارشینست - مارکسیست های» یونانی اقتباس شده بود مبادرت جست. به موجب این «تئوری» کمونیست ها نمی بایست دست به عمل زنند و در توده ها نفوذ کرده آنها را متشکل سازند بلکه می بایست در حوزه های خویش محصور بمانند و فقط به پرورش تئوریک بپردازند.

گروه کورچا نمی توانست در فعالیت خویش موفق گردد مگر آن که نیکو جوجی ترسکیست را بگوید. از این جهت جلسه وسیع کمیته رهبری تصمیم گرفت که او را از ترکیب خویش اخراج کند ولی او را در عضویت گروه باقی گذاشت. این تصمیم نیم بند به نیکو جوجی و سایر عناصر «آنارشینست - مارکسیست» امکان داد که فعالیت انشعابگرانه و خصمانه خویش را در درون گروه و در صفوف جمعیت های کارگری گسترش دهند. فقط کار بزرگ توضیحی سالم ترین کمونیست ها توانست نیکو جوجی را تقریباً به طور کامل منفرد گرداند.

### شرکت کمونیست ها در جنبش دموکراتیک ضد زوغو

دیگر نهضت کمونیستی در البانی در چندین شهر گسترده شده بود. در سال های ۱۹۳۴ - ۱۹۳۵ سازمان های جدید کمونیستی در تیرانا، اشکودرا، فبر، ولورا، آلباسان و ژیروکاسترو به وجود آمدند. اما این سازمان ها علی الاصول از کارگران تشکیل نمی شدند و از لحاظ تعداد ضعیف بودند و عموماً بدون هماهنگی با یک دیگر عمل می کردند. به تبلیغ افکار کمونیستی می پرداختند ولی تبلیغ آنها محدود و غیر مداوم و جدا از مسائل سیاسی و اقتصادی کشور بود. سازمان های جدید، به ویژه در تیرانا چند افسر ارتش با افکار کمونیستی نیز داشتند.

در این دوره البانی زمینه بسیار مساعدی برای بسط نهضت کمونیستی داشت و این امر، همانطور که علی کلمندی می نگاشت:

«از یک طرف به آستی ناپذیری مبارزه خلق البانی به ضد رژیم و قوت نیرومندی آن، و از طرف دیگر به خیانت، بی تصمیمی و بی حرکتی سیاستمداران جریانات دیگر مربوط بود.»<sup>۱</sup>

در چنین شرایطی، تقویت نهضت کمونیستی از راه استقرار روابط استوار بین سازمان های مختلف کمونیستی و از راه ایجاد جنبش وسیع دموکراتیک، ضد زوغو و ضد امپریالیسم در میان کارگران، دهقانان، نظامیان و جوانان که اکثریت عظیم اهالی را تشکیل می دادند و عواقب سیاست ضد خلقی و ضد ملی زوغو را عمیقاً احساس می کردند، میسر بود.

کمیته رهائی ملی که هدف خود را سازمان دادن جنبش ضد فئودالی و ضد فاشیستی می دانست اگرچه با پخش روزنامه ها و تراکت ها کار تبلیغاتی ثمر بخشی انجام می داد سازمان دهندگان سیاسی بود و در خود البانی ریشه نداشتند. کار مخفی در رژیم ستمکار زوغو مستلزم فداکاری بود و رهبران سازمان مذکور شوق زیادی به این فداکاری نشان نمی دادند. از سوی دیگر، کمونیست ها در داخل البانی به علت آن که عموماً گرفتار تنگی افق سیاسی بودند و بر

۱- علی کلمندی، گزارش به کمیته ۱۴ دسمبر ۱۹۳۶. بایگانی مرکزی حزب

ضرورت مبرم ایجاد جنبش وسیع دموکراتیک و ضد امپریالیستی و قوف نداشتند. آنچه کمونیست ها و به ویژه سازمان های تیرانا را در سال های ۱۹۳۴ - ۱۹۳۵ به شرکت فعال در جنبش ضد زوغو واداشت علی الاصول عبارت بود از میهن پرستی و کینه نسبت به رژیم.

در سال ۱۹۳۴ روابط البانی با ایتالیا سخت تیره شد. دولت روم که می خواست البانی را هر چه زودتر به صورت نیمه مستعمره در آورد به منظور آن که زوغو را به تسلیم وادارد ناو های جنگی به آبهای دوررس فرستاد. انقیاد زوغو در برابر فشار ایتالیا جنبش ضد زوغو را تا حدی به جلو راند. از ماه اپریل ۱۹۳۴ گروهی از افسران سابق و روشنفکران بورژوا سازمانی مخفی به وجود آوردند که هدفش سرنگونی سلطنت زوغو، استقرار رژیم جمهوری و بر انداختن مداخلات ایتالیا در البانی بود. سازمان مذکور فعالیت خود را به محافل نظامی و روشنفکران بورژوا محدود می ساخت. عوامل ایتالیا که می خواستند از این جنبش به سود فاشیسم بهره بردارند در صفوف آن رخنه کردند. سازمان کمونیستی تیرانا و چند تن از افسران کمونیستی که به عنوان فعالان ضد زوغو شناخته می شدند به این سازمان مخفی پیوستند. گروه کمونیست کورچا در جلسه اگست ۱۹۳۴ مسأله شرکت احتمالی در این سازمان مخفی را مورد بررسی قرار داده تصمیم گرفت که از این فرصت به سود جنبش دموکراتیک ضد زوغو استفاده کند و اگر قیام بر پا شود به عنوان نیروئی مستقل و با برنامه خاص خویش در آن شرکت جوید. برنامه مذکور چنین مقرر می داشت:

- اعلام جمهوری دموکراتیک توده ئی،

- الغاء کلیه قرارداد های اسارت آور که البانی را به ایتالیای فاشیست وابسته می گرداند،

- الغاء انحصارات و امتیازات عفو عمومی برای زندانیان سیاسی،

اما گروه کورچا برای توسعه این جنبش ضد زوغو و اعمال نفوذ در آن مجهز نشد. گروه کورچا به نظاره نشست تا موقعی که قیام پیروز شود وی در شهر کورچا که بیشتر از همه در آنجا در توده ها نفوذ داشت حکومت را در دست گیرد و برنامه خویش را به عمل در آورد.

کمونیست رضا سرووا که در مارچ ۱۹۳۵ از اتحاد شوروی برگشته بود در تقویت صفوف جنبش ضد زوغو شرکت جست و به ویژه کوشید که دهقانان اسکرایا رومالاکاسترو را به آن ملحق گرداند.

حکومت زوغو به وجود جنبش پی برد و در صدد اقداماتی بر آمد. سران قیام مجبور شدند که روز ۱۴ اگست ۱۹۳۵ یعنی قبل از تاریخی که پیش بینی کرده بودند قیام را در فیر آغاز کنند. اما قیام خیلی زود به دست نیرو های دولتی سرکوب شد. فقدان سازمان و شروع بی موقع قیام لطمه بسیار بر موفقیت نقشه عملیات وارد آورد. قیام کنندگانی که تحت رهبری رضا سرووا بودند نیز به هدف خود نائل نیامدند. رضا سرووا در نبرد با ژاندارم های زوغو کشته شد ولی همانطور که به نزدیکان خود نوشت تا آخرین نفس ایمان داشت که خلق نمی تواند آزاد گردد مگر آنگاه که طبقات استثمارگر را سرنگون سازد.

قیام فیر شکست خورد و محکوم به چنین شکستی بود زیرا که رهبری انقلابی سالمی نداشت و فاقد سازمان صحیح بود، زیرا که از توده های شهر و روستا که برای قیام آماده نشده بودند جدا مانده بود. نشان داده شد که اپوزیسیون بورژوائی به کلی از سازمان دادن و رهبری جنبش توده ئی وسیع ناتوان است. به علاوه، عناصر مرتجع فاشیست با جنبش در آمیختند و کوشیدند که آن را در راه تحقق مطامع ایتالیای فاشیست در البانی مورد استفاده قرار دهند. کمونیست هائی که در جنبش شرکت داشتند اگرچه عزم جزم داشتند که آن را تا آخر به پیش ببرند موفق نشدند در رأس قرار گیرند و جنبش را در کلیه زمینه ها تدارک ببینند و برنامه سیاسی کاملاً مشخصی به آن بدهند. همه این شرایط باعث شد که قیام به صورت عملیات مسلحانه گروه محدود در آمد معذالک قیام مذکور مظهر خشم و ناخشنودی همگانی از رژیم بیدادگر مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی بود. قیام مذکور اهمیت سیاسی داشت و طنینش از مرز های البانی در گذشت.

افکار عمومی دموکراتیک در داخل و خارج کشور علیه تروری که زوغو برای سرکوب قیام راه انداخت بر انگیزته شد. از سوی دیگر قیام مذکور – به قول علی کلمندی – برای کمونیست های البانی «کوره آزمایش و سنگ محک بود». وی چنین نوشت: «کمونیست های البانی از این آزمایش سر بلند بیرون آمدند و خود را شایسته برادران کمونیست خویش در سایر کشور ها نشان دادند»<sup>۲</sup>

ادامه دارد...

---

<sup>2</sup>- همانجا